

ضرورت تولید کتاب‌های گویای درسی با کیفیت

نبود استانداردهای اجباری در تولید کتاب‌های گویای درسی باعث کاهش کیفیت منابع صوتی و محدودیت دسترسی دانش‌آموزان نابینا به منابع آموزشی مناسب شده است



شامل ناشران خصوصی نمی‌شوند. نبود نسخه صوتی برای کتاب‌های بریل خانواده‌ها را وادار به استفاده از گویندگان غیرحرفه‌ای می‌کند که کیفیت پایین منابع آموزشی را تشدید می‌کند و به یادگیری آسیب می‌زند. این وضعیت نیازمند توجه فوری و اصلاحات جدی است تا عدالت آموزشی برای نابینایان تحقق یابد.

ضرورت استانداردسازی اجباری

جوادیان چند راهکار روشن پیشنهاد می‌دهد، از جمله تعیین استانداردهای دقیق برای کیفیت صدا و محتوا، اختصاص بودجه دولتی برای تولید حرفه‌ای و راه‌اندازی سیستمی برای بررسی کیفیت کتاب‌های ناشران خصوصی. او باور دارد همکاری بین وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و وزارت ارشاد و نوشتن یک قانون مثل «آیین‌نامه تولید منابع آموزشی فراگیر»، می‌تواند این مشکلات را حل کند. این قانون مثل چراغی در تاریکی، راه را نشان می‌دهد. هرچند آموزش و پرورش استثنایی در تولید کتاب‌های گویای درسی موفق بوده، اما نبود استاندارد اجباری برای ناشران خصوصی و کمبود منابع برای کتاب‌های غیردرسی، مشکلات بزرگی ایجاد کرده است. جوادیان می‌گوید که این کاستی‌ها باید سریع برطرف شوند تا نابینایان به حقشان برسند. او تأکید می‌کند که استانداردسازی باید شامل همه کتاب‌ها، از درسی تا کمک‌درسی، شود تا هیچ دانش‌آموزی جا نماند.

توزیع عادلانه منابع

برای حل این مشکلات، توزیع منصفانه منابع آموزشی بسیار مهم است. یک پلتفرم دیجیتال برای دسترسی رایگان به کتاب‌های گویا می‌تواند مثل رودی روان، دانش را به همه جا ببرد. شفيعی و جوادیان هر دو می‌گویند دولت باید بودجه‌ای برای تولید این کتاب‌ها در شهرهای کوچک و مناطق محروم اختصاص دهد. تشويق ناشران محلی برای ساخت کتاب‌های گویا با توجه به نیازهای هر منطقه، می‌تواند دسترسی را بهتر کند. این کارها مثل بذری در زمین، آینده‌ای روشن برای نابینایان می‌سازند. پلتفرم‌های دیجیتال، با دسترسی آسان و ارزان، می‌توانند دانش را به هر گوشه‌ای از کشور برسانند و نابرابری را کم کنند. جوادیان پیشنهاد می‌دهد که این پلتفرم‌ها باید ساده و کاربرپسند باشند تا همه، حتی در روستاها، بتوانند از آنها استفاده کنند. این کار می‌تواند شکاف آموزشی را پر کند.

اصلی برای دسترسی به این منابع تبدیل شوند. این کار علاوه بر کاهش فاصله آموزشی، می‌تواند عدالت را در سطح کشور گسترش دهد. او همچنین پیشنهاد می‌دهد ناشران محلی تشويق شوند تا کتاب‌های گویا را متناسب با نیازهای هر منطقه تولید کنند.

به گفته این کارشناس، همکاری نهاد‌های مختلف از جمله وزارت آموزش و پرورش و نهادهای فرهنگی، نقش مهمی در موفقیت این طرح خواهد داشت و می‌تواند مسیر دسترسی نابینایان به منابع آموزشی را هموار کند. او باور دارد اگر این برنامه‌ها به درستی اجرا شوند، زندگی تحصیلی نابینایان دگرگون خواهد شد و عدالت آموزشی رنگ واقعیت به خود خواهد گرفت؛ فرصتی که حق هر دانش‌آموز است، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط کشور. این اقدامات، کتاب گویا را از حاشیه به مرکز توجهات می‌آورد و موجب رشد علمی و فرهنگی جامعه می‌شود.

چالش کتاب‌های درسی

فاطمه جوادیان، کارشناس علوم ارتباطات و روانشناسی و معلم دانش‌آموزان نابینا، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های آموزش نابینایان اشاره می‌کند؛ نبود دسترسی کامل به کتاب‌های درسی صوتی و بریل. او معتقد است «اگرچه آموزش تخصصی از پایه ششم آغاز می‌شود، اما تمام کتاب‌ها به شکل مناسب برای نابینایان فراهم نیستند. سازمان آموزش و پرورش استثنایی به طور انتخابی تعیین می‌کند کدام کتاب‌ها به صورت صوتی یا بریل تولید شوند. به‌طور معمول، کتاب‌های محاسباتی مانند ریاضی و زبان به خط بریل آماده می‌شوند تا در کلاس‌های درس مورد استفاده قرار گیرند، اما کتاب‌های نظری مثل علوم اجتماعی و تاریخ بیشتر به صورت صوتی ضبط می‌شوند.» جوادیان درباره مشکلات دانشگاهی دانشجویان نابینا هشدار می‌دهد. در رشته‌های فنی و تجربی، دسترسی به منابع صوتی یا بریل بسیار محدود است و این دانشجویان باید با تکیه بر تلاش شخصی و شبکه‌های ارتباطی خود، راه تحصیل را ادامه دهند. این شکاف عمیق، آینده تحصیلی آن‌ها را تهدید می‌کند و فرصت‌های برابر را کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، کیفیت پایین برخی کتاب‌های صوتی نیز مسئله‌ای جدی است. سرعت نامناسب، تلفظ نادرست و نبود تأکید بر واژه‌های کلیدی باعث می‌شود یادگیری سخت و خسته‌کننده شود و دانش‌آموزان نابینا عقب بمانند. اگرچه استانداردهایی برای تولید کتاب‌های درسی وجود دارد، اما این قوانین الزام‌آور نیستند و

اصلی دسترسی نابینایان به منابع آموزشی مناسب اشاره می‌کند. به باور شفيعی، رفع این مشکلات تنها با همکاری هماهنگ نهاد‌های مختلف امکان‌پذیر است تا عدالت آموزشی به معنای واقعی برای همه دانش‌آموزان، به ویژه نابینایان، محقق شود.

هزینه‌های تحصیل نابینایان

دانشجویان نابینا در دانشگاه‌ها با چالش‌های بزرگی روبه‌رو هستند که هزینه‌های بالای تولید کتاب‌های گویای تخصصی یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. این کتاب‌ها به دلیل هزینه زیاد، بسیار کمیاب و گران‌قیمت‌اند و بدون حمایت مالی کافی، دانشجویان ناچار به استفاده از منابع کم کیفیت می‌شوند که مثل آبی کدر، تشنگی دانش را فرو نمی‌نشانند. رقيه شفيعی می‌گوید بسیاری از دانشگاه‌ها بودجه لازم را ندارند یا اهمیت این موضوع را درک نمی‌کنند و برخی تعداد کم دانشجویان نابینا را بهانه می‌کنند. با این حال، دانشگاه‌هایی مانند تهران، اصفهان و علامه طباطبایی با راه‌اندازی مراکز ویژه نابینایان، تلاش‌هایی هرچند محدود انجام داده‌اند. این مراکز با مشارکت دانشجویان و بودجه دانشگاه، کتاب‌های گویا تولید می‌کنند، اما این اقدامات تنها قطره‌ای در دریای نیازهاست و نمی‌تواند پوشش کامل برای همه دانشجویان نابینا فراهم کند.

تمرکز این خدمات در شهرهای بزرگ، نابرابری دسترسی را در سایر مناطق بیشتر می‌کند. بسیاری از دانشجویان نابینا با دست خالی و امیدی بزرگ دنبال منابعی می‌گردند که یا وجود ندارد یا کیفیت مناسبی ندارد. این وضعیت باید تغییر کند تا همه دانشجویان نابینا فرصت برابر برای تحصیل و رشد علمی داشته باشند. عدالت آموزشی بدون تحقق این امر، تنها یک شعار باقی خواهد ماند.

راهکارهای عملی عدالت

رقيه شفيعی برای رفع مشکلات نابینایان در دسترسی به کتاب‌های گویای درسی راهکارهای عملی و ساده‌ای ارائه می‌دهد. او معتقد است ایجاد یک شبکه دیجیتال گسترده برای پخش این کتاب‌ها، نخستین گام مؤثر خواهد بود. حمایت مالی دولت از تولید و توزیع کتاب‌های گویا نیز ضروری است تا هیچ دانش‌آموز یا دانشجویی به دلیل کمبود منابع محروم نماند.

او تأکید می‌کند که کتابخانه‌های عمومی و مراکز فرهنگی در روستاها و شهرهای کوچک باید به پایگاه‌های

نابینایان در عرصه آموزش با چالش‌های جدی روبه‌رو هستند که مهم‌ترین آن، فقدان دسترسی گسترده و منظم به کتاب‌های گویای درسی است. این منابع آموزشی نقش مهمی در تسهیل فرایند یادگیری برای آنان ایفا می‌کنند و به مثابه چراغی روشن مسیر آموزش را هموار می‌سازند. اما متأسفانه، این نیاز اساسی هنوز در بسیاری از نهاد‌های آموزشی به درستی دیده نشده و به آن توجه کافی نشده است. دلایل این وضعیت را می‌توان در نگاه‌های سنتی و نا کافی برخی مسئولان، عدم مشارکت مؤثر نابینایان در تصمیم‌سازی‌ها، کمبود بودجه و ضعف نظارت یافت. صدای مطالبه‌گران این حوزه اغلب در میان مسائل متعدد آموزشی گم می‌شود و درک عمیق مسئولان از اهمیت این موضوع نا کافی است. این کم‌توجهی، دسترسی برابر به آموزش را برای نابینایان محدود کرده و تحقق عدالت آموزشی را به تأخیر می‌اندازد. برای دستیابی به آموزش فراگیر و برابر، ضروری است نهاد‌های متولی با برنامه‌ریزی دقیق و تخصیص منابع لازم، دسترسی نابینایان به کتاب‌های گویای درسی را اولویت قرار دهند. تنها در این صورت می‌توان انتظار داشت که آموزش برابر صرفاً یک شعار نباشد و همه دانش‌آموزان از فرصت‌های یکسان بهره‌مند شوند.

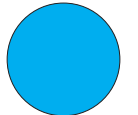
حق مسلم نابینایان

رقيه شفيعی، رنسی با اراده‌ای راسخ و پشتکاری مثال‌زدنی، نمادی از موفقیت و تعهد است. او متولد سال ۱۳۶۴ و دارنده کارشناسی ارشد الهیات در گرایش فلسفه و کلام اسلامی است. پس از یک سال تدریس در دانشگاه پیام‌نور، بیش از ۱۰ سال است که در کتابخانه‌ها، به‌ویژه بخش نابینایان، به خدمت مشغول است. عضویت دوساله در کارگروه تخصصی نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی و پنج سال همکاری مستمر با سرویس «کتاب» ماهنامه «نسل‌مانا» بخشی از سوابق درخشان او به شمار می‌آید. شفيعی که از یک سال پیش به عنوان معلم آموزش و پرورش فعالیت می‌کند، با قاطعیت می‌گوید: «کتاب‌های گویای درسی برای نابینایان ضرورتی انکارناپذیر است.» به باور او، این کتاب‌ها مانند کلیدی طلایی هستند که درهای دانش را به روی نابینایان می‌گشایند، اعتماد به نفس‌شان را تقویت می‌کنند و یادگیری را برایشان آسان‌تر می‌سازند. برای بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا، این منابع تنها راه مطالعه مستقل و مؤثر محسوب می‌شوند. او در ادامه هشدار می‌دهد که کیفیت کتاب‌های گویای درسی اهمیت فراوانی دارد. کتاب‌های بی‌کیفیت، مانند راهی پرستگلاخ، روند یادگیری را دشوار می‌کنند و ممکن است به اشتباهات بزرگی بینجامند. شفيعی مثالی می‌آورد: «اگر گوینده اصطلاحات حقوقی را نادرست بیان کند، دانشجوی نابینا آن را درست می‌پندارد و این خطا تا پایان تحصیل همراهش خواهد بود.» صداهای ضعیف، ضبط‌های ناقص و اطلاعات نا کافی، انگیزه دانش‌آموزان را کاهش داده و به درک مطلب و سواد آنها آسیب می‌رساند. او پرسشی مهم مطرح می‌کند: چرا استانداردهای اجباری برای این کتاب‌ها وجود ندارد؟ پاسخ او این است که نبود نظارت کافی، هزینه‌های بالای تولید و بی‌توجهی برخی مسئولان، این مشکل را تشدید کرده است. شفيعی تأکید دارد که کتاب‌های گویای درسی باید با دقت و تخصص تولید شوند تا نیازهای واقعی نابینایان را برآورده کرده و به ابزاری کارآمد در فرایند یادگیری بدل گردند.

چالش تولید استاندارد

شفيعی با اشاره به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، عدالت آموزشی را شامل آموزش رایگان، فرصت برابر و دسترسی به منابع با کیفیت برای همه می‌داند. او معتقد است که این اهداف هنوز فاصله زیادی تا تحقق دارند و اقدامات کنونی تنها گامی کوچک در این مسیر هستند. شفيعی هشدار می‌دهد که بدون تلاش مستمر و جدی، برابری واقعی برای دانش‌آموزان نابینا محقق نخواهد شد. او از وزارت آموزش و پرورش می‌خواهد که کتاب‌های گویای درسی را نه به عنوان یک امتیاز اضافی بلکه به عنوان یک حق مسلم و اساسی برای نابینایان به رسمیت بشناسد. این درخواست، صدای هشداري است که ضرورت تغییر را یادآوری می‌کند. بدون وضع استانداردهای دقیق و نظارت مداوم، کتاب‌های گویا قادر به پاسخگویی کامل به نیازهای نابینایان نخواهند بود.

شفيعی تأکید می‌کند که تولید این کتاب‌ها باید با دقت، تخصص و کیفیت بالا انجام شود تا دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا بتوانند به سهولت از آن بهره‌مند شوند و در مسیر تحصیل پیشرفت کنند. او همچنین به نبود برنامه‌ریزی منظم و کمبود بودجه به عنوان موانع



مهین داوری

روزنامه نگار

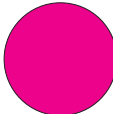
66

کتاب‌های گویای درسی برای نابینایان کلید ورود به دنیای دانش‌اند اما کیفیت پایین و نبود استانداردهای لازم، مسیر یادگیری را سخت کرده است.

برای آموزش برابر، نیاز به همکاری نهاد‌ها، تأمین بودجه و ایجاد نظام نظارتی قوی بر تولید و توزیع این منابع حیاتی است

یادداشت

O P I N I O N



امید هاشمی

سر دبیر ماهنامه نسل‌مانا

نابینایان و شکاف آموزشی

در جهان امروز، دسترسی به آموزش برابر برای همه دانش‌آموزان یک ضرورت اساسی است، اما دانش‌آموزان نابینا هنوز با چالش‌های فراوانی مواجه‌اند که نیازمند توجه جدی و راهکارهای عملی است. این گروه به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند؛ کسانی که مهارت خواندن خط بریل را دارند و آن‌هایی که با این خط آشنا نیستند. برای دسته دوم، کتاب‌های صوتی تنها پنجره به منابع آموزشی محسوب می‌شود، اما تکیه صرف بر این روش نه تنها کافی نیست، بلکه پیامدهای منفی نیز به دنبال دارد.

واقعیت این است که تولید و توزیع کتاب‌های بریل به اندازه کافی انجام نمی‌شود و انگیزه‌ای برای یادگیری دست یافت. در عین حال، نشده است. این امر، به مرور زمان باعث تضعیف مهارت‌های خواندن و نوشتن دانش‌آموزان نابینا می‌شود؛ مهارت‌هایی که پایه‌ای‌ترین ستون‌های آموزش و پرورش هستند و بدون آن‌ها نمی‌توان به عدالت آموزشی دست یافت. در عین حال، اتکای بیش از حد به نسخه‌های صوتی که گاه کیفیت مطلوبی ندارند، مشکلاتی از قبیل کاهش تمرکز و یادگیری نادرست تلفظ‌ها را به همراه دارد.

از سوی دیگر، این دانش‌آموزان از دسترسی به کتاب‌های کمک‌درسی و منابع غیردرسی صوتی محروم‌اند؛ منابعی که دیگر دانش‌آموزان به آن‌ها دسترسی دارند و می‌توانند تفاوت مهمی در یادگیری و موفقیت آن‌ها ایجاد کند. مسئولیت تولید این محتوا بر عهده آموزش و پرورش استثنایی است؛ اما تاکنون نشانی از اراده جدی برای فراهم کردن چنین منابعی دیده نشده است. افزون بر این، خانواده‌ها اغلب توان مالی تهیه کتاب‌های صوتی را ندارند، که این خود به نابرابری آموزشی دامن می‌زند. کیفیت پایین کتاب‌های صوتی، مشکلاتی اساسی را برای دانش‌آموزان نابینا ایجاد می‌کند. ضبط آموزش و تلفظ اشتباه، نه تنها یادگیری را مختل می‌کند بلکه ممکن است الگوهای اشتباه گفتاری را در ذهن آن‌ها شکل دهد، وضعیتی که می‌تواند آینده تحصیلی و اجتماعی آن‌ها را تحت تأثیر منفی قرار دهد. نبود استانداردهای لازم و دستورالعمل‌های مشخص، همراه با کمبود بودجه و زمان، این مشکل را تشدید کرده است.

یکی دیگر از موانع، تأخیرهای اداری در هماهنگی میان نهادهای مسئول تولید کتاب‌های درسی و صوتی است. تغییرات مکرر کتاب‌های درسی در زمان‌های محدود، باعث می‌شود که نسخه‌های صوتی دیر به دست دانش‌آموزان برسد یا حتی تولید نشود، وضعیتی که حق تحصیل برابر را نقض می‌کند.

وزارت آموزش و پرورش مسئولیت خود را محدود به تأمین کتاب‌های درسی می‌داند و تولید کتاب‌های کمک‌درسی صوتی را خارج از وظایفش می‌خواند. این موضع، ادعای عدالت آموزشی را تنها در حد شعار نگه داشته و پاسخگویی به نیازهای واقعی دانش‌آموزان نابینا را به تعویق می‌اندازد.

نقش جامعه مدنی

برای عدالت آموزشی هموار کنند. کتاب گویای درسی، مثل کلیدی طلایی، درهای دانش را برای نابینایان باز می‌کند. این یک حق اصلی است، نه یک امتیاز اضافی. برای رسیدن به عدالت آموزشی، نیاز به اراده قوی، نظارت دقیق و توزیع منصفانه منابع داریم. با راهکارهایی مثل پلتفرم‌های دیجیتال، حمایت مالی دولت و همکاری گروه‌های مدنی می‌توان این نیاز را به فریادی رسا تبدیل کرد که همه جا شنیده شود. نابینایان با دسترسی به کتاب‌های گویای با کیفیت، نه تنها به دانش می‌رسند، بلکه مثل ستاره‌هایی در آسمان آموزش می‌درخشند. این هدف با تلاش جمعی و برنامه‌ریزی درست، نه یک رویا، بلکه واقعیتی نزدیک خواهد بود. وقت آن است که همه دست به دست هم دهیم تا هیچ نابینایی از آموزش محروم نماند.

جامعه مدنی، از گروه‌های نابینایان تا داوطلبان، می‌تواند نقش مهمی در این راه داشته باشد. مشارکت این گروه‌ها در تولید و پخش کتاب‌های گویا، هم فشار مالی روی دولت را کم می‌کند و هم حس همبستگی را تقویت می‌کند. شفيعی پیشنهاد می‌دهد که دوره‌های آموزشی برای گویندگان داوطلب برگزار شود تا کیفیت کارشان بهتر شود. این همکاری مثل نسیمی خنک، امید را به دل نابینایان می‌آورد. گروه‌های نابینایان می‌توانند با آگاهی دادن و مطالبه‌گری، مثل صدایی بلند، نیازهایشان را به گوش مسئولان برسانند. این کار می‌تواند تغییرات بزرگی ایجاد کند. جوادیان هم می‌گوید که همکاری داوطلبان و نهادهای محلی می‌تواند تولید کتاب‌های گویا را سریع‌تر و ارزان‌تر کند. این تلاش‌ها، اگر هماهنگ شوند، می‌توانند راه را